

سیاست هویتی مقام معظم رهبری (مدظله)

بر حسب تجربه جنگ تحمیلی

محسن کرمانی *

مهدی سیاوشی **

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۰۶

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۸/۰۷

چکیده

هویت به مثابه پدیده‌ای سیال و تعین‌پذیر، همواره از برخوردهای اجتماعی، فرهنگی و تمدنی در معرض تغییر و تحول تأثیرپذیر است. در این رابطه، یکی از تأثیرگذارترین برخوردهای اجتماعی جنگ است که با برانگیختگی مای ملی، هویت را در سطوح مختلف خود دستخوش و اساسی و تحول می‌کند. در این مورد می‌توان به جنگ تحمیلی و آثار هویتی آن در تثبیت مؤلفه‌های دینی و تقویت عناصر ملی هویت انسان ایرانی بویژه جوانان اشاره کرد؛ اما در وضعیت حاضر و در سطحی بالاتر، رویارویی تمدنی ایران اسلامی با غرب تجدیدی، انسان ایرانی خاصه جوانان را در معرض تشتت و پراکندگی منابع هویتی قرار داده است. در پاسخ به این مسئله، کارگزاران نظام و در رأس آنها، مقام معظم رهبری (مدظله) کوشش دارند با تکیه بر منابع هویتی دفاع مقدس الگو و مؤلفه‌های هویتی مناسب نسل جوان را بر ساخت نمایند. پیرو دغدغه فوق، هدف اصلی این نوشتار نیز این است که با استفاده از نظریه مبنایی، مؤلفه‌های هویت جوانان از دید ایشان بر حسب تجربه دفاع مقدس شناسایی و الگوی هویتی مطرح نظر ایشان با روش تحلیلی و بررسی سخنرانیها و آثار مکتوب معظم‌له معرفی و تبیین گردد. در ادامه یافته‌های پژوهش نشان داد که بر حسب تحلیل صورت‌گرفته مقولات معنویت‌گرایی، تکلیف‌گرایی، شهادت‌طلبی، بیگانه‌ستیزی، موقعیت‌شناسی، ولایت‌مداری، از بیانات رهبری با موضوع جنگ استخراج شده است و مؤلفه‌های فوق در قالب مقومات، استلزامات و اهداف هویتی قابل توزیع هستند؛ با این توضیح که در الگوی هویتی مقام معظم رهبری ایمان و معنویت به مثابه مقومات هویت جوان ایرانی معرفی شده است. جوانی که هدفش پیشرفت است و برای رسیدن به آن باید موقعیت‌شناس، وظیفه‌شناس، دشمن‌شناس و روحیه انقلابی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: هویت، دفاع مقدس، مقام معظم رهبری (مدظله)، جوانان.

مقدمه

واژه «بحران» شاخص بسیاری از تغییرات و اختلالاتی است که «تجدد» در سطوح و لایه‌های مختلف دنیای امروز رقم زده است. در این رابطه، یکی از مهمترین بحرانهای جوامع مدرن بویژه جوامع غیرغربی مانند ایران، «بحران هویت» است. این بحران، که از ورود تجدد در اواسط حکومت قاجاریه آغاز شد با ظهور دولت پهلوی و هجوم گسترده آن به میراث و فرهنگ اسلامی به منظور نوسازی کشور شدت یافت به طوری که بسیاری از صاحب‌نظران، چرایی وقوع انقلاب اسلامی را در چالش‌های هویتی جامعه ماقبل انقلاب و تلاش هدفمند حکومت در حذف عناصر مذهبی از هویت ملی ایرانیان و جعل عناصر جدید جستجو می‌کنند. این در شرایطی بود که عناصر ملی و مذهبی هویت ایرانی به شکل تجزیه‌ناپذیری با یکدیگر تلفیق و ترکیب شده بود؛ لذا حضور مؤلفه‌های هویتی غرب و تلاش در جهت تضعیف و حذف مؤلفه‌های مذهبی موجب بحران و تعارض در هویت ایرانی شد و ایرانیان با بازگشت به مبانی مذهبی هویت خود در جریان انقلاب اسلامی به گونه‌ای درصدد حل این بحران برآمدند. وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و شرایط ناشی از آن موجب شد عناصر ملی و مذهبی، مؤلفه‌های بی‌بدیل و رقیب هویت ایرانیان را شکل دهند؛ لکن با پایان یافتن جنگ و دورشدن از شرایط انقلاب از یک سو و اوج گرفتن مباحث جهانی شدن^۱ از سوی دیگر دوباره بستر پیدایش و انتشار عناصر و منابع هویتی غرب در جامعه ایران فراهم شد. شرایط موجود بویژه با رشد و گسترش رسانه‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی و عدم اهتمام جدی مسئولان و متصدیان امور فرهنگی و اجتماعی در حفظ و مراقبت از دستاوردهای ارزشی و معنوی انقلاب و دفاع مقدس به نوعی تکثر و آشفتگی در منابع هویتی بویژه برای نسل جوان جامعه منجر شد؛ همان که بسیاری از کارشناسان و متخصصان اذعان می‌کنند که نسل جوان جامعه ما به دلیل تغییر و جابه‌جایی در منابع هویتی و گوناگون شدن این منابع هویتی و نیز تفاوت چشمگیر آن با منابع هویتی نسل قبل از خویش به لحاظ نگرش و علائق و شکل‌گیری ابعاد هویت از نسلهای قبل اجتماعی متفاوت شده است. در واکنش به وضعیت موجود مقام معظم رهبری (و نیز امام خمینی(ره) در زمان خود) همواره در بیانات خود در دیدار با اقشار مختلف جامعه خاصه

جوانان کوشیده‌اند با اشاره به حوادث جنگ تحمیلی و سیره شهیدان و رزمندگان، مؤلفه‌های هویتی نهفته در دفاع مقدس را معرفی و برجسته کنند؛ از این رو این مقاله می‌کوشد از طریق بازخوانی و تحلیل بیانات مقام معظم رهبری، ضمن تبیین تأثیرات هویتی جنگ تحمیلی بر هویت ملی، مهترین مؤلفه‌های هویتی موجود و تنیده شده در این بیانات را شناسایی و معرفی کند. به‌طور کلی سه گونه ضرورت برای این پژوهش می‌توان برشمرد: نخست، ناظر بر دغدغه مسئولان و سیاستگذاران است؛ چرا که شاهد تضعیف و گسست نسل جوان از اتکا به مبانی دینی و اسلامی هستیم و جنگ نرم بیش از پیش به حساسیت مسئله افزوده است. دوم، دغدغه اجتماعی است. به‌نظر می‌رسد درک درستی از فرایند انتقال آموزه‌های ارزشمند دینی به نسل جوان و فرهیخته نداریم. معلوم نیست که جوانان چگونه با شناسه‌های هویتی و فرهنگی برآمده از انقلاب و دفاع مقدس برخورد می‌کنند. شناخت و معرفی چنین شناسه‌هایی، دلیل خوبی برای این تحقیق است. سوم، دغدغه نظری است. بررسی جایگاه جوانان در دفاع مقدس در بیانات مقام معظم رهبری، حاوی دلالت‌های هویتی مهمی برای سیاستگذاری فرهنگی - اسلامی در جامعه ما است. سودمندی چنین نگاهی این خواهد بود که نقش فعالانه ما را در رویارویی با پدیده‌های فرهنگی بیگانه یادآور می‌شود.

ملاحظات مفهومی و نظری

در پی گسترش چالش‌های هویتی و طرح‌شدن هویت به مثابه مسئله‌ای اجتماعی بویژه در نیمه دوم سده بیستم، بخش قابل توجهی از مباحث و مجادلات نظری در حوزه علوم اجتماعی به هویت معطوف شد. نتیجه آن، پیدایش و رشد رهیافتها و رویکردهای نظری بدیع و تازه‌ای در حوزه مباحث هویتی بود. رویکردهای هویتی موجود را می‌توان در سه دسته جوهرگرایی، سازه‌گرایی اجتماعی و گفتمانی تقسیم کرد:

الف. رویکرد جوهرگرایی

جوهرگرایان با اعتقاد به جوهری ثابت برای فرد و جامعه بر این باورند که چیزی ثابت و پایدار در چهره زیرین هویت وجود دارد که به فرد و جامعه معنا می‌بخشد (فوزی، ۱۳۸۴: ۲۴). بنابراین آنان به دنبال پیدا کردن ریشه‌های طبیعی و جوهری هویت هستند. این دیدگاه تا حدودی، جنبه

تباری و نیاکانی دارد و طبعاً سعی می‌کند مفهوم هویت را با منشأ زیستی و حتی طبیعی توضیح بدهد (معینی علمداری، ۱۳۸۳: ۴۳). این رهیافت معتقد است هویتها - اعم از سطح فردی یا جمعی آن - و عناصر و مؤلفه‌های سازنده آن، ذاتی و طبیعی است و در وضعیت مکانی و زمانی، کمتر دچار تغییر می‌شود. در واقع، این رویکرد در بنیاد به وجود هسته سخت و پایداری در هویت انسانی اعتقاد دارد. این هسته سخت، ویژگیهایی را به گونه ذاتی و درونی در هویت انسانی پدید می‌آورد. هر فرد و اجتماعی، هسته هویتی سختی دارد که او را پدید می‌آورد؛ قوام می‌بخشد و از توالی تاریخی برخوردار است (اکبری، ۱۳۸۴: ۳۱۹).

ب. رهیافت سازه‌گرایی اجتماعی

در عصر مدرن در کنار رهیافت جوهر‌گرایانه، رهیافت نظری دیگری نشو و نما یافت که با عنوان رویکرد سازه‌گرایی اجتماعی^۱ خوانده می‌شود. این رهیافت نظری، که توانست در رقابت با رویکرد اول ظهور یابد، ماهیت و هویت را تاریخی می‌داند. براساس نظریه سازه‌گرایی اجتماعی، خود و هویت ساخته و پرداخته‌ای تاریخی است که در ظرف زمان و مکان خاصی شکل می‌گیرد و معنی می‌یابد (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۸)؛ به عبارت دیگر، این نظریه هویت را پدیده‌ای متأخر می‌داند و بر سیال بودن آن تأکید می‌کند. بر مبنای این تلقی از هویت، هویتها در جریان مراوده‌ها، تعاملها و آمیزشهای اجتماعی شکل می‌گیرد نه اینکه از قبل فرض شده باشد. طبعاً در چنین تلقی‌ای، هویت مفهوم سیالتری پیدا می‌کند و بسیاری از عناصری از آن زدوده می‌شود که پیشتر به صورت اخلاقی یا مفهومی به هویت نسبت داده شده بود و به جای آن به مرزبندی و غیریت‌سازی تأکید می‌شود. هویت از این دیدگاه، نوعی سازه اجتماعی مربوط به تلقی شخص از خویش در ارتباط با دیگری است. قدرت این رویکرد سازه‌انگارانه به‌عنوان پارادایم در این است که هم نیروی تشکیلاتی گفتمان را به شمار می‌آورد و هم قدرت انتخاب فرد را درباره آن رفتار به وادی فراموشی نمی‌سپارد. هویت توسط فرایند اجتماعی شکل می‌گیرد و سپس این هویتها به نوبه خود بر جامعه تأثیر متقابل می‌گذارد. نظام یا ساختار، پیوسته بر فعالیتهای واقعی انسان در هر مرحله تأثیر می‌گذارد و در عوض خود از این فعالیت و عملکرد تأثیر می‌پذیرد. هویت نمود یافته هر کارگزاری جدا از تعامل با دیگر کارگزاران معنایی ندارد و شخصیت کارگزار به‌صورت اجتماعی و به واسطه مراحل

مختلف اجتماعی شدن و در کنش اجتماعی ساخته می‌شود. تغییر هویت از دیدگاه سازه‌انگاری دشوار است ولی غیرممکن نیست. در واقع، گاه تنها تغییری است که کنشگران می‌توانند با حرکتی تاکتیکی در وضعیت ویژه آنها را دستکاری کنند. از این دیدگاه هویت و منافع، متغیرهای وابسته‌ای است که نمی‌توان آنها را مسلم انگاشت (درزی و دیگران، ۱۳۹۱: ۹).

در مجموع، رهیافت سازه‌گرایی برعکس رویکرد جوهرگرایی، هویت اجتماعی را ساخته‌ای اجتماعی می‌داند که از جایی نیامده و کسی آن را کشف نکرده است، بلکه آن را ساخته و پرداخته شرایط اجتماعی انسانها می‌داند؛ چنانکه معنا ساز بودن هویت نیز بر ساختگی آن دلالت می‌کند. انسانها همواره باید چیزها یا اشخاص را طبقه‌بندی کنند و خود را در داخل آن طبقه قرار دهند.

ج. رویکرد گفتمانی

رویکرد نظری سوم، گفتمانی است. رویکرد گفتمانی به مانند رویکرد سازه‌گرایی اجتماعی، هویت را سیال و محصولی اجتماعی می‌داند؛ لکن بر خلاف آن رویکرد با نادیده انگاشتن و نفی نقش عاملیت بر نقش ضدیتها^۱ در بر ساخت هویت اجتماعی تمرکز می‌یابد. در این رابطه، یکی از مهمترین رویکردهای گفتمانی ناظر به هویت و مطمح نظر در این مقاله، نظریه پسااستعماری است. نظریه پسااستعماری به دنبال آشکار کردن این نکته است که سلطه استعمار بر جوامع غیر غربی همراه با صورتبندی گفتمانهایی بوده است که در آن از یک سو، هویت مردمان آسیا و افریقا به عنوان هویتی مستقل، نفی، و از سوی دیگر، برتری فرهنگی و اخلاقی غرب متجدد همواره بدون کمترین تردید یا پرده‌پوشی مورد تأکید قرار می‌گرفته است (ساعی، ۱۳۸۵: ۱۳۸)؛ به عبارتی، سلطه استعماری تاریخ و فرهنگ بومی جوامع غیر غربی را تحقیر و هویتشان را سرکوب می‌کند و آنان را وا می‌دارد تا فرهنگ و هویت غرب را بپذیرند. ادوارد سعید، نظریه‌پرداز است که وجوه فرهنگی استعمار را گسترش داده است. به اعتقاد وی، بنیاد نظری استعمار غرب را گفتمان «شرق‌شناسی» تشکیل می‌دهد که شرق را مستعد فرودستی و غرب را قادر به فرادستی ساخته است. گفتمان شرق‌شناسی، مجموعه‌ای از تقابلهای دوگانه را به وجود می‌آورد که در آنها داشته‌های غرب در مقابل نداشته‌های شرق قرار می‌گیرد؛ نتیجه این می‌شود که غرب عقلانیت دارد؛ اما شرق غیرعقلانی است؛ غرب تساهل دارد و شرق جزمی است؛ غرب پیشرفته است و شرق سنتی و

قضایایی این چنین (سعید، ۱۳۸۳: ۱۷). بنابراین، شرق‌شناسی گفتمانی در زمینه ایجاد سلطه و داشتن اقتدار بر شرق است. این گفتمان به‌طور سنتی به دو هدف عمده خدمت می‌کند: نخست به توسعه‌طلبی و امپریالیسم غرب در چشم دولتهای غربی و انتخاب‌کنندگان آنها مشروعیت داده است. دوم، پنهانی کوشیده است «بومیان» را قانع کند که فرهنگ و هویت غربی معرف تمدن جهانی است و پذیرش چنین هویتی به نفع آنان است (شاهمیری، ۱۳۸۹: ۵۶).

از آنجا که پیش‌شرط مدرن‌شدن اروپا روشها و رفتار فرهنگ اروپایی بود، مستعمرات برای مدرن‌شدن نیز باید از فرهنگ اروپایی تقلید و آن را ترویج کنند (سعید، ۱۳۷۹: ۸۰)؛ اما همین ماهیت غربگرایی، ضرورت وجود شرقگرایی را می‌رساند؛ زیرا شما تنها چیزی را می‌توانید غربی کنید که غربی نباشد و آن هم شرق است؛ بدین‌سان شما برای غربی‌شدن اول باید شرقی باشید. هر فردی قبل از اینکه بتواند غربی‌شدن را به‌عنوان علاج کار خود بپذیرد، باید شرق را متجلی و بازنمایی کند. رد شرق به نام غرب به‌معنای طرح‌بندی شرق به‌عنوان شرق است؛ یعنی جوامع مسلمان را باید بر حسب تفاوت‌هایشان با جوامع غربی توصیف کرد؛ اما توصیف تفاوت‌های آنها باید شبیه توصیفی انجام گیرد که غرب طرح‌بندی و ارائه کرده است. بنابراین، حاکمان و اقتدار تجددگرا برای اینکه بتوانند خود را غربی کنند باید دو کار انجام می‌دادند: از یک‌سو، مجبور بودند جوامع اسلامی را شرقی معرفی کنند؛ ضمن اینکه باید تمام کاستی‌هایی را به جان بخرند که شرق برای غربی‌ساختن خود و سالم و کامل پنداشتن غرب ناچار است تحمل کند. آنها باید از اثر قهقرایی اسلام بر تکوین مدرنیته درون جامعه اسلامی صحبت کنند (سعید، ۱۳۷۹: ۸۱). از سوی دیگر، تجددگراها استدلال می‌کنند که راه علاج تمام بیماریهای شرق، داروی غرب است؛ از این رو ضروری بود که جوامع مسلمانان را شرق‌زدایی کنند و شرق‌زدایی در فضا و بافت جامعه اسلامی به معنای اسلام‌زدایی بود (سعید، ۱۳۷۹: ۸۵).

نیروهای تجددگرا در ایران نیز، که در چارچوب منطق گفتمان شرق‌شناسی، تقلید از غیراروپایی را دستور کار خود قرار داده بودند در چارچوب همین منطق به غیریت‌سازی با گفتمان هویت دینی و برخورد با میراث اسلامی در جامعه ایران پرداختند. این رویکرد در ابتدا موجب تشکیک در گفتمان هویت دینی در انتهای عصر قاجار و انفعال و انزوای آن در عصر پهلوی شد و نهایتاً واکنش انقلابی آن را علیه گفتمان تجددمآب پهلوی برانگیخت. بنابراین، اگر گفتمان تجدد را در تناظر با گفتمان شرق‌شناسی شکل گرفت، گفتمان دینی نیز به واسطه طرد و غیرسازی همان

گفتمان با وقوع انقلاب اسلامی به عرصه هستی پا گذاشت. در گفتمان دینی براساس نفی تجدد غربی به مثابه تجلی مادیگری منحط و زوال معنویت دین مبنای هویت‌یابی قرار می‌گیرد؛ به عبارتی، آنچه در گفتمان تجددگرا، اضطراری است که باید از آن در گذشت در انقلاب اسلامی به فضیلتی قابل دفاع تبدیل می‌شود.

انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نیز از یکدیگر جدایی‌ناپذیر است. تعبیر تقابل اسلام و کفر در بیانات امام(ره) درباره جنگ تحمیلی عراق علیه ملت ایران در واقع تداوم فرایند غیریت‌سازی بود که امام از پیش از انقلاب در مقابله با دشمنان اسلام آغاز کرده بود. امام دشمن اصلی اسلام را استعمار و در رأس آن امریکا می‌دانستند. «نقشه استعمار محو اسلام و احکام مقدس قرآن است» (صحیفه امام، ج ۲: ۱۲۹)؛ «چرا که اسلام مانع و سد مستحکم در مقابل توطئه و زیاده‌خواهیهای استعمارگران است. در حقیقت، نیت و غایت دولتهای استعمارگر چپاول و تاراج منابع و معادن جوامع مختلف از جمله منابع فسیلی جوامع اسلامی است؛ از این رو، استعمار و عوامل استعمار همچون رژیم شاهنشاهی در ایران نهایت تلاش خود را برای مبارزه با اسلام و استحاله آن به کار بردند. با سرنگونی رژیم دست‌نشانده شاه و پیروزی انقلاب اسلامی و در پی آن تشکیل جمهوری اسلامی، استعمار و در رأس آن امریکا پس از ناکامی در استحاله ماهیت انقلاب و ایجاد انحراف در مسیر آن متوسل به نبردی نظامی با بازیگری صدام حسین و رژیم بعث عراق علیه ملت ایران شد. بنابراین در نظرگاه امام خمینی(ره)، جنگ عراق و ایران، جنگ دو ملت مسلمان نبود؛ بلکه جنگ ملت مسلمان ایران و رژیم بعث عراق بود که به نمایندگی از شرق و غرب بویژه امریکا علیه انقلاب اسلامی و حکومت نوپای مذهبی در ایران می‌جنگید: «ملت‌های مسلمان باید بدانند که ایران کشوری است که رسماً با امریکا می‌جنگد و شهدای ما، این جوانان و دلاوران ارتش و سپاه از ایران و اسلام عزیز در مقابل امریکا دفاع می‌کنند» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۲۱۳)؛ بدین ترتیب، تأثیرات هویتی جنگ تحمیلی را باید در منطق تقابل گفتمان شرق‌شناسی به مثابه تقابل اسلام و غرب درک و تفسیر کرد. تقابل و تخصصی که شرایط تداوم و بازتولید گفتمان هویتی انقلاب اسلامی و برجسته‌شدن عناصر ملی آن را در قالب هویت ملی و مذهبی ایرانیان فراهم ساخت؛ رویکردی که تداوم آن را می‌توان در بیانات مقام معظم رهبری بویژه در رویارویی با وجوه فرارونده و فرهنگی غرب از طریق تأکید بر میراث هویتی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس خاصه خطاب به نسل‌های جوان دنبال کرد.

روش پژوهش

در این پژوهش در راستای فهم عناصر و الگوی هویتی رهبر معظم انقلاب برای جوانان بر حسب تجربه و منابع هویتی دفاع مقدس از نظریه مبنایی^۱ استفاده شده است. نظریه مبنایی، روش پژوهش کیفی است که با استفاده از جمع‌آوری ساختارمند و منظم داده‌ها و فرایند استنباط استقرایی در سه مرحله و در قالب مفاهیم^۲، مقوله‌ها^۳ و قضیه‌ها^۴ به محقق در صورت‌بندی الگوهای نظری یاری می‌کند. در چارچوب این روش در مرحله نخست با مطالعه و مرور بیانات مقام معظم رهبری (مدظله) گزاره‌های کلیدی آن انتخاب، و سپس مضمونها و مفاهیم محوری این گزاره‌ها در قالب شناسه‌های باز شناسایی و دسته‌بندی شده است. در ادامه و در سطحی بالاتر از تحلیل، تلاش شده است با تجمیع و جداسازی شناسه‌ها، زیر مفاهیم کلی و انتزاعی‌تر مقولات نظری متن شناسایی گردد. در پایان فرایند تحلیل نیز با برقراری ارتباط منطقی میان مقولات هویتی استخراج شده قضایای نظری و الگوی هویتی مطمح نظر رهبری معرفی شده است.

یافته‌های تحقیق

بر حسب تحلیل بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان با موضوع جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، ده مقوله هویتی از میان حدود ۵۰ مفهوم (شناسه) استخراج و استنباط شده است. در ادامه هر یک از این مقولات به تفصیل در دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله) تبیین شده است.

-
1. Grounded Theory
 2. Concepts
 3. Categories
 4. Propositions

جدول ۱. مقولات نظری استخراج شده از بیانات مقام معظم رهبری

ردیف	شناسه‌ها	مقولات
۱	شرق‌ستیزی، غرب‌ستیزی، دشمن‌شناسی	دشمن‌شناسی
۲	مسئولیت‌پذیری، وظیفه‌شناسی	وظیفه‌شناسی
۳	حمایت از رهبری، وحدت کلمه، حضور در صحنه، فرمان‌پذیری، ولایت‌پذیری، آمادگی	ولایت‌مداری
۴	حفاظت از انقلاب، حراست از استقلال کشور، دفاع از هویت ملی، دفاع از کشور، حکومت اسلامی و اسلام، وجدان دینی و ملی، غیرت دینی،	دفاع از هویت ملی و مذهبی
۵	ایستادگی و مقاومت، عزم راسخ، امید	پایداری
۶	از خودگذشتگی، فداکاری، شجاعت، شهادت طلبی، رهرو راه شهیدان	شهیدان محوری
۷	خودباوری، پیشرفت‌طلبی، اعتمادبه‌نفس، پیشگامی، انقلابی، امید، شور و تحرک، آرمان‌طلبی، اثربخشی، نقش‌آفرینی، کارآمدی، خلاقیت، سخت‌کوشی	پیشرفت‌طلبی
۸	تدبیر و حکمت، هوشمندی، بصیرت	موقعیت‌شناسی
۹	ایمان، اخلاص، تقید، عفاف و حجاب	معنویت‌گرایی
۱۰	بسیجی و انقلابی	بسیجی و انقلابی

۱. معنویت‌گرایی

یکی از وجوه بارز و برجسته در جنگ هشت ساله، رشد فضایل اخلاقی و معنوی و تقویت ارزشهای مذهبی و اجتماعی بود که به نسبت، تمام اقشار جامعه بویژه رزمندگان را تحت تأثیر خود قرار داده بود. این معنویت‌گرایی، که از عوامل مهم پیروزی بر دشمن بود در فرهنگ ناب اسلامی و عرفان اصیل اسلام اهل بیت(ع) و باورهای اصیل رزمندگان اسلام ریشه داشت. مصداق این معنویت‌گرایی را می‌توان در ایمان، اخلاص و توکل به خدا و نیز توسل به ائمه اطهار(س) مشاهده کرد. جوانان رزمنده بر پایه ایمان و اعتقاد قلبی خود، و این باور، که برای خدا و دفاع از دین خدا می‌جنگند، می‌کوشیدند با توسل به معنویات و استمداد طلبیدن از خداوند و ائمه اطهار(س)، مسائل و مشکلات ناشی از کمبود و نبود امکانات و تجهیزات، غم و مصیبت از دست دادن و شهادت دوستان و هم‌زمان، خطر وساوس شیطانی و بروز ترس و تردید و غیره را برای خود هموار و برطرف سازند. به اذعان بیشتر شاهدان عینی و خاطرات، فضای جبهه از معنویت آکنده بود و می‌شد بعینه آن را در نمازهای جماعت، نماز شب، صدای مناجاتهای شبانه در داخل سنگرها،

برگزاری پرشور زیارت عاشورا و دعای کمیل و موج‌زدن روحیه ایثار و محبت در میان بچه‌های رزمنده، نامگذاری عملیاتها، شعارهای جبهه و غیره مشاهده کرد؛ وضعیتی که در اردوگاه دشمن، اثری از آن نبود و می‌توان آن را برگ برنده نیروهای رزمنده در این جنگ دانست. در همین رابطه مقام معظم رهبری خطاب به جوانان بیان می‌کنند: «عزیزان من! جوانانی که دوران دفاع مقدس را یا درک نکرده‌اید یا به‌درستی درک نکرده‌اید! دفاع مقدس با این سرمایه‌های معنوی به نتیجه رسید. ... این ملت، ایمان و شجاعت و از خودگذشتگی و دینگرایی و غرور ملی خود را به صحنه آورد»^۱. البته این امر در نظرگاه مقام معظم رهبری به این معنا نیست که نسل جوان و امروز جامعه به دور از معنویت یا در سطح پایین‌تری از معنویت در مقایسه با جوانان جنگ قرار دارد. ایشان حتی معتقدند که نسل امروز در سطح بالاتری از معنویت قرار دارد: «شما جوانهای نسل امروز در بخشهای مختلف نشان دادید که یک‌قدم جلوتر رفته‌اید؛ یعنی نسل جوان ما یک‌قدم به جلو حرکت کرده است؛ منتها کوره جنگ تحمیلی و دفاع مقدس و آن حال و هوای عجیب، یک تأثیرات طبیعی‌ای دارد. اگر آن وضعیت، امروز هم پیش می‌آمد، آن وقت معلوم می‌شد که جوانهای ما چقدر در زمینه‌های معنوی پیش رفته‌اند»^۲.

از دیدگاه معظم له، همان‌گونه که وجود معنویت در حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی، عامل آثار فراوانی در متن زندگی اسلامی است، نبود معنویت نیز در متن زندگی فرد، خانواده و جامعه می‌تواند آثار تخریبی فراوانی را در حوزه نظری و عملی بر جای بگذارد. جامعه منهای معنویت در همه عرصه‌ها شکست خورده است؛ حتی اگر در عرصه‌های فناوری و صنعت، پیشرفتهای ظاهری هم داشته باشد در درون خود دچار ورشکستگی است و امنیت و آرامش ندارد. معنویت است که فرد، خانواده و جامعه را در برابر بیماریهای اخلاقی و روحی و حتی بیماریهای گوناگون اقتصادی و سیاسی حفظ می‌کند. جامعه معنوی از خطرهای مختلف خواهد مصون است. بویژه نسل جوان جامعه را باید تقویت معنوی کرد؛ در غیر این صورت گرفتار لغزشها در عرصه‌های زندگی خواهند شد؛ زیرا هیچ چیز به قدر معنویت، انسان را حفظ نمی‌کند.

امروز جوامع بشری به‌دلیل دوری از معنویت، حقیقت انسانیت، اخلاق و دوری از خدا، دچار وضعیتی شده است که همه پیشرفتهای مادی هم نمی‌تواند او را خوشبخت کند. علت آن چیست؟

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم همدان (۱۳۸۳/۰۴/۱۵)

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نخبگان جوان (۱۳۸۵/۰۶/۲۵)

آیا بشر امروزی از همیشه ثروتمندتر و عالمتر نیست؟ آیا امروز بشر، بیش از همیشه با ابزارهای آسان‌کننده زندگی روبه‌رو نیست؟ پس چرا زندگی تلخ است؟! چرا این همه اختلاف در عالم است؟ چرا این همه جنگ است؟ چرا این همه نامردمی است؟ چرا جوانان در ثروتمندترین کشورهای عالم، احساس خوشبختی نمی‌کنند؟ بشر برای خوشبختی چه چیزی لازم دارد که در اختیارش نیست؟ جواب، یک کلمه است: بشر، پیام پیامبران را کم دارد. بشر، نسخه آرامش‌بخش و آسایش‌بخش پیامبران را در دست ندارد یا به آن عمل نمی‌کند. قرآن، کاملترین نسخه‌ها را در اختیار دارد. جامعه نباید از نظر مادی ثروتمند باشد و از نظر معنی فقیر. جامعه اسلامی بایسته است دو ثروت مادی و معنوی داشته، و از فقر اقتصادی، اعتقادی، ماده‌گرایی و معنویت رها شده باشد؛ در غیر این صورت، هرچند در عرصه اقتصاد ثروتمند باشد، همچنان مشکلات بیشماری دارد؛ زیرا ثروت مادی تنها برخی از جنبه‌ها و نیازها را پوشش می‌دهد و بسیاری از جنبه‌های وجودی انسانی را دچار خلأ یا کاستی، و آرامش را از او - در عین حال که به ظاهر آسایش دارد - سلب می‌کند؛ به تعبیری دیگر، مشکل کسی که از معنویت خالی است، جای دیگر است. مشکل او یک‌بعدی بودن، تهیدست بودن از ثروت لازم دیگر است؛ مشکل همت را فقط متوجه یک بخش کردن است (رودگر، ۱۳۹۲: ۶۱).

۲. ولایت‌مداری

مدار، یعنی آن قطب و نقطه مرکزی که همه حرکتهای، اقدامها، موضعگیریها و تلاشها بر حول آن سامان یافته و از آن الهام گرفته باشد. بنابراین، ولایت‌مداری یعنی در حوزه فردی، اجتماعی و سازمانی، ولایت قطب و محور همه اندیشه‌ها، رفتار، موضعگیریها و حرکتهای باشد و تمام نهادها و سازمانهای مردمی و حکومتی، مدیران و افراد خود را با ولی امر هماهنگ و همراه سازند. ولایت محوری حاصل نمی‌شود مگر اینکه مؤمنان و نهادها در همه ابعاد از جانشین خدا و تجلی‌بخش حاکمیت الهی، خردمندانه تعبد و پیروی کامل کنند و به حکم همان عقلی که آنها را در برابر خدا تسلیم و متعبد کرده است در مواضع فکری و اقدامهای عملی تابع بی‌چون و چرای ولی امر، و به الزامات آن متعبد و پایبند باشند. بنابراین، شناخت و باورمندی به جایگاه و اختیارات ولایت، شناخت و پذیرش اندیشه‌ها، منویات، اولویتهای و مطلوبیتهای رهبری، باور به اطاعت از ولایت ولی فقیه و دفاع از حریم ولایت از مهمترین شاخصهای ولایت‌مداری است (شعبانی، ۱۳۹۴: ۲۴) که می‌توان اوج تجلی آن را در دوران دفاع مقدس و اطاعت بی‌چون و چرای رزمندگان از امام

خمینی(ره) مشاهده کرد. در این رابطه، مقام معظم رهبری، رمز موفقیت رزمندگان اسلام را در دفاع مقدس ولایت‌مداری آنان می‌داند که باید جوانان امروز از آن درس و الگو بگیرند: «شما ملت عزیز، جوانان... از رهبر بزرگوار و عالیقدر حمایت کردید و کاری کردید که نه فقط دشمن مجبور شد عقب بنشیند و از تجاوز دست بردارد، بلکه به دشمن هم درس سختی داده شد تا همه دنیا بفهمند»^۱. «مردم سخنان ارزشمند امام را باور کردند و جوانان هم حقیقت را فهمیدند؛ لذا حماسه آن هشت سال پدید آمد. امروز شما و همه مردم ایران - و بلکه ملت‌های دیگر - بایستی از آن حماسه درس بگیرید»^۲. «چقدر از جوانان ما حاضر بودند برای یک پیام امام، جانشان را قربان کنند! چقدر از ما الآن آرزو داریم اشاره لطفی از طرف ولیّ غایبمان بشود و جانمان را قربان کنیم!»^۳.

۳. شهادت‌طلبی

یکی از مفاهیم ناب و مقدس در دین اسلام و مذهب شیعه، «شهادت» است. جانفشانی حضرت علی(ع) در «لیله المبیت»، سرآغاز و نقطه عطف فرهنگ شهادت‌طلبی در تاریخ اسلام و تشیع است. ایثار و شهادت همواره در کنار جهاد (با نفس درونی و دشمنان بیرونی) معنا می‌یابد. از جمله رموز پیروزی رزمندگان در صدر اسلام تا انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ایثار تا سرحلّ فدا کردن جان در راه اعتلای آیین و اهداف و آرمان‌های متعالی بوده و هست. جامعه ایرانی، که چهره‌ای ارزش‌مدار و قهرمانگرا را از خود برجای گذاشته است با تمسک به مذهب پرافتخار شیعه و بهره‌گیری از عوامل بنیانی و ساماندهنده هویت ایرانی در پرتو شهادت و تحقق شعار پیروزی خون بر شمشیر، انقلاب خود را به پیروزی رساند؛ در بُره‌ای دیگر، با مفهوم‌سازی فرهنگ شهادت‌طلبی از تنگنای پر از خطر جنگ تحمیلی به سلامت و پیروزی بیرون آمد و دوره طلایی دفاع مقدس را برای همیشه بر تارک تاریخ این مرز و بوم به یادگار نهاد. در این رابطه، سومین مؤلفه هویتی، که مقام معظم رهبری برای جوانان معرفی می‌کنند، فرهنگ ایثار و شهادت و تداوم راه شهدا است. ویژگی بارز و تمایزبخش جنگ تحمیلی در مقایسه با جنگ‌های مشابه خود، و آنچه موجب تحیر جهانیان و وحشت دشمنان انقلاب اسلامی شد، وجود منش و روحیه شهادت‌طلبی رزمندگان در

۱. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم آباد، شال و تاکستان، هرسین و صحنه، بوئین‌زهرا، سلماس، کنگان، چالوس، گرمسار، بیدگل و آران کاشان (۱۳۶۸/۰۶/۲۲)

۲. بیانات در دیدار با فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۷۴/۰۶/۲۹)

۳. بیانات به مناسبت «روز پاسدار»، در جمع هزاران تن از اعضای سپاه پاسداران و «یگان ویژه نیروی انتظامی» (۱۳۷۲/۱۰/۲۶)

طول دفاع مقدس است. بدون شک، این روحیه در آموزه‌های ناب اسلامی و فرهنگ عمیق و پرمحتوای عاشورا ریشه دارد. جیمز بیل در تحلیل خود از جنگ تحمیلی اشاره می‌کند: «در مبارزه برای دفاع از کشور، مذهب، رهبر و انقلاب خود، مردم ایران بارها تمایل خود را به آخرین حد ایثار، یعنی پذیرش مرگ در صورت لزوم نشان داده‌اند. در این مفهوم فرهنگی، قدرت گذاشتن از جان خود، گاهی اوقات می‌تواند از قدرت کشتن توانا تر باشد» (بیل، ۱۳۶۷: ۴۲۰). رهبر معظم انقلاب خواستار جاری شدن فرهنگ شهادت در سرتاسر جامعه هستند. ایشان به فرزندان شهدا توصیه می‌کنند ادامه‌دهنده راه پدرانشان باشند. «شما جوانان و نوجوانان و پسران و دختران باید هدفتان ادامه راه پدرانتان باشد. آنها در این راه شهید شدند؛ شما إن شاء الله زنده بمانید و تلاش کنید و عمری را با عزت در این راه بگذرانید»^۱. «راه این عزیزان [شهدا] را نه فقط خانواده‌های شهدا بلکه همه ملت ایران باید ادامه دهند و به‌رغم عنف دشمن این راه ادامه پیدا خواهد کرد. این راه، راه ارزشهاست؛ راه تعالی ملت و کشور ایران است؛ راه برافراشتگی پرچم اسلام است»^۲.

بدون تردید، حضور مستمر و حیرت‌انگیز مردم بویژه جوانان پس از گذشت نزدیک به سه دهه از جنگ به قصد زیارت مناطق عملیاتی، تحت عنوان «راهیان نور» و یا تشیع جنازه‌های شهیدان گمنام و تازه تفحص شده، و حضور در جبهه‌های جنگ سوریه و عراق، مبین این حقیقت است که راه شهادت و روحیه شهادت‌طلبی هم اینک نیز رهرو و مدافع دارد.

۴. وظیفه‌شناسی

شناختن وظیفه و انجام دادن آن در جهان انسانیت، وظیفه‌ای است ثابت و مسلم و هرگز انسانی نمی‌توان یافت که با فطرت انسانی خود، منکر این حقیقت شود. بنابراین «وظیفه‌شناسی» و «ادای آن» مهمترین مسئله عملی است که انسان در زندگی خود با آن روبه‌رو است. قرآن کریم، مسئولیت‌پذیری انسان را بزرگترین افتخار بشر می‌داند و در سوره احزاب آیه ۷۲ می‌فرماید: «به راستی ما امانت خود را بر آسمانها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم؛ ولی آنها سر باز زدند و از حمل این بار سنگین خودداری، و اظهار ناتوانی کردند و از این کار ترسیدند؛ اما انسان آن را بر عهده

۱. سخنرانی در دیدار با فرزندان ممتاز شاهد و مدیران و معلمان نمونه مدارس شاهد به همراه مسئولان بنیاد شهید انقلاب اسلامی، گروهی از خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان استانهای تهران و مازندران، مردم و مسئولان شهرهای نور و محمودآباد، و استادان (۱۳۷۰/۰۶/۱۳)

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار خانواده معظم شهیدان، جانبازان و آزادگان استان همدان (۱۳۸۳/۰۴/۱۶)

گرفت». در این رابطه، پنجمین مؤلفه هویتی، که مقام معظم رهبری براساس تجربه جنگ تحمیلی برای جوانان معرفی می‌کنند، وظیفه‌شناسی و احساس مسئولیت است. به اعتقاد معظم‌له موفقیت ما در جنگ تحمیلی مرهون احساس مسئولیت و تکلیف جوانان در دفاع از میهن اسلامی خویش بود. این مسئولیت در حال حاضر نیز بر دوش جوانان است؛ چرا که جوانان از انرژی، توان و انگیزه بیشتری در حل مسائل و مشکلات کشور برخوردارند: «جوان هم که در عنفوان شکوفایی استعدادهاست، جزو مسئولان است. مسئولیت فقط مال پیران و میانسالان نیست، بلکه می‌توان با یک نگاهی گفت که جوان مسئولیت سنگینتری دارد؛ چرا؟ چون توانایی جوان، شکوفایی جوان، نیروی جوان بیش از دیگران است. جوان باید در درون خود، در دل خود، در وجدان خود احساس کند که نسبت به آینده این کشور، آینده این ملت، آینده این تاریخ، مسئولیت دارد. همین احساس مسئولیت بود که در دوران دفاع مقدس، اکثر جوانهای متعهد را به میدان دفاع کشاند»^۱.

در باب تأکید مقام معظم رهبری بر مقوله وظیفه‌شناسی باید اذعان کرد که از زاویه و چشم‌انداز روانشناسی رفتاری، افراد وظیفه‌شناس به نظریه‌پردازی، تولید محتوا و گزارش تمایل زیادی دارند و افرادی بسیار خلاقند؛ دقیق، جزئی‌نگر و با وجدان و وظیفه‌شناسند؛ دارای تفکر منظم و منطقی، و به دنبال دقت، صحت و کیفیت هستند؛ معمولاً جدی، و به نظم و ترتیب و ساختار علاقه‌مندند؛ توانایی تمرکز بر جزئیات را دارند؛ از جزئیات لذت می‌برند و چیزهایی را می‌بینند که دیگران نمی‌توانند آن را ببینند و به همین دلیل در حل مشکلات کشور در سطوح مختلف عالی هستند.

۵. دفاع از هویت ملی و مذهبی

پنجمین مؤلفه هویتی که توسط مقام معظم رهبری برای جوانان بر ساخت می‌شود، دفاع از هویت ملی و مذهبی است که در قالب دفاع از اسلام، انقلاب و کشور تجلی می‌یابد. به اعتقاد مقام معظم رهبری، جوانان بسیجی در طول سالهای جنگ با چشم پوشیدن از آرامش و آسایش خود و تحمل شرایط سخت مناطق جنوب و غرب کشور، جانانه از تمامیت ارضی کشور و نظام اسلامی دفاع کردند. حال این وظیفه برگردن تمام ملت بویژه جوانان است که از هویت و موجودیت ایران اسلامی دفاع کنند: «در دوران دفاع مقدس، بسیجیان ما از سرتاسر کشور از کار و زندگی و استراحت و آغوش خانواده و... چشم می‌پوشیدند و به سمت بیابانهای گرم خوزستان و یا قلّه‌های

۱. دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه سالروز سیزده آبان (۱۳۸۷/۰۸/۰۸)

یخزده و پربرف غرب و شمال غرب کشور می‌رفتند و تابستان و زمستان را در آنجا می‌گذراندند. آنها این کار را برای دفاع از اسلام و کشور و شرف و استقلال و آزادی و حاکمیت دین خدا می‌کردند.^۱ «امروز شما مرزداران منطقه دفاع مقدس از عقیده و عمل و رفتار اجتماعی هستید؛ هم‌چنانکه همه ملت ایران، مدافعان از هویت ملی و از شخصیت عظیم ملت ایران هستند».^۲

مقام معظم رهبری در محدوده وظایف دفاعی جوانان، یکی از مهمترین وظایف جوانان را دفاع از انقلاب و آرمان انقلاب می‌دانند: «در طول این سالهای متمادی بیست‌ساله بعد از پایان دفاع مقدس، جوانانی به صحنه آمده‌اند که باشعور خود، با شور فوق‌العاده خود، با علاقه‌مندیهایی خود، با انگیزه‌های الهی خود، با تلاش علمی خود، با تلاش اجتماعی و سیاسی خود، بقای این انقلاب و نشاط این انقلاب را تضمین کرده‌اند. آنها هم فرزندان انقلابند. آنها هم مالکان انقلابند. نسبت آنها با انقلاب، مثل نسبت کسانی است که در صدر انقلاب حضور داشته‌اند؛ در آینده هم همین جور خواهد بود. طبقه جوان، نسلهای پی‌درپی - همه - نسبت واحدی با انقلاب دارند. همه سهم در انقلابند و همه سهم در تکلیف حفظ امانت این انقلابند».^۳ «جوان امروز - جوان نسل سوم - در آمادگی خود و شجاعت خود و غیرت خود برای دفاع از هویت دینی و انقلابی خود از جوان نسل اول - که در دوره جنگ تحمیلی و دفاع مقدس حضور داشت - هیچ کمتر نیست؛ شاید هم جلوتر است».^۴ رهبر معظم انقلاب، معتقدند انقلاب امانتی است که از نسل گذشته به نسل جوانان امروز رسیده است و اینان نیز وظیفه دارند همانند نسل جوان جنگ تحمیلی با تلاش و کوشش علمی و اجتماعی خویش از انقلاب اسلامی دفاع کنند که تجلی‌گر هویت ملی و مذهبی آنها است.

۶. پایداری

ششمین مؤلفه هویتی که مقام معظم رهبری برای جوانان بر ساخت می‌کنند، پایداری است که در قالب مضمون‌هایی نظیر ایستادگی، مقاومت و امید معنا می‌شود. در نظرگاه معظم‌له، هشت سال دفاع مقدس، مظهر هشت سال ایستادگی و مقاومت ملت ایران است. ملت ایران با پایداری بی‌نظیر

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان نواحی، پایگاه‌ها و گردانهای بسیج سراسر کشور به مناسبت هفته بسیج (۱۳۷۴/۰۹/۰۸)

۲. بیانات در اجتماع مردم گیلان غرب (۱۳۹۰/۰۷/۲۳)

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) (۱۳۸۷/۰۳/۱۴)

۴. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار عمومی مردم آذربایجان شرقی (۱۳۸۵/۱۱/۲۸)

خود، دشمن یعنی را از خاک ایران بیرون راند؛ لیکن، پایان جنگ به معنای پایان دشمنی‌ها با ملت ایران نبود. استکبار جهانی از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون هیچ‌گاه از دشمنی و خباثت خود نسبت به ملت ایران دست برنداشته و همواره کوشیده است به شیوه‌های مختلف به نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران ضربه بزند؛ از این رو، مقام معظم رهبری از ملت بویژه جوانان می‌خواهد که هیچ‌گاه امید خود را از دست ندهند و در مقابل دسایس دشمن پایداری کنند: «این هشت سال، مظهری از برترین صفاتی است که یک جامعه می‌تواند به آنها ببالد و از جوانان خودش انتظار داشته باشد؛ یعنی دفاع مقدس مظهر حماسه است، ...؛ مظهر ایثار و از خودگذشتگی است؛ مظهر ایستادگی و پایداری و مقاومت است»^۱. «آن چیزی که من از شما جوانان توقع دارم می‌خواهم و همه‌تان بجد آن را فراموش نکنید، این است که در صحنه باشید و امیدتان را هم از دست ندهید. بدانید که امروز دشمن، تمام این تبلیغات پُرخرجی را که علیه جمهوری اسلامی انجام می‌دهد، رادیو امریکا، روزنامه‌ها، مجلات، صهیونیستها و... برای این است که شما را از آینده خودتان ناامید کند؛ برای این است که به جوانان این‌گونه تفهیم کند که آینده اسلامی در این کشور ماندنی نیست و نمی‌شود کاری کرد»^۲.

به اعتقاد معظم‌له، «مقاومت، تنها با استحکام بخشیدن به بنیانها صورت می‌گیرد. هر سیل بنیان کنی وقتی به یک صخره استوار برسد، نمی‌تواند در آن اثر بگذارد. ما باید خود را استوار و مستحکم کنیم و بنیانهای فرهنگی و اقتصادی و سیاسی خود را استحکام ببخشیم. هر کاری که در جهت استحکام بخشیدن باشد، مقدس و خوب و مورد اجر و ثواب الهی است. هر چیزی که در جهت متزلزل کردن این پایه‌ها و بنیانها باشد، بد است. این دیگر ربطی به جناح و حزب و گروه و تشکیلات ندارد. به نظر من معیار و ملاک، این است»^۳؛ به عبارتی رهبر معظم انقلاب معتقدند لازمه ایستادگی و مقاومت پایدار در برابر مشی استعمارگرایانه و رویکرد تمامیت‌خواه غرب تجددگرا، که در صورتبندی جدید گفتمان تقابله‌گرای خود، انقلاب اسلامی را دشمن و غیر اصلی خود معرفی کرده است، استحکامبخشی به بنیانهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور است که در این رابطه نیز معظم‌له برای جوانان، نقش و جایگاه حائز اهمیت قائل شده‌اند.

۱. بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس (۱۳۸۸/۰۶/۲۴)

۲. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم و جمعی از آزادگان، جانبازان و خانواده‌های معظم شهدا (۱۳۷۷/۰۵/۲۷)

۳. بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس (۱۳۸۱/۰۳/۰۷)

۷. موقعیت‌شناسی

هفتمین مؤلفه هویتی، که توسط مقام معظم رهبری برای جوانان بر ساخت می‌شود موقعیت‌شناسی است. این مؤلفه تشکیل شده است از مضمون‌هایی نظیر تدبیر، بصیرت، هوشمندی و... که به اعتقاد معظم‌له از ویژگیها و صفات بارز جوانان ایرانی است: «جوانان امروز ما از جنس همان جوانانی هستند که در دوران هشت سال دفاع مقدس، هر وقت لازم شد، تمام بیابانهای پشت مرزهای با عراق را پر کردند؛ جنگیدند تا دشمن را ناکام گذاشتند»^۱. «امروز دانش‌آموزان دبیرستانی ما در کنار دانشجویان، در کنار قشرهای دیگر، در کنار بسیج و در جاهای دیگر، جزو پیشقدمترین گروه‌های اجتماعی ما هستند. در دوران دفاع مقدس هم باز دانش‌آموزان جزو پیشروان و خط مقدم‌ها محسوب می‌شدند. شما اگر با خانواده‌های شهدا تماس بگیرید - من با خیلی از اینها تماس دارم و می‌بینم - و از آنها پرسید جوانان چندساله بود، می‌گویند شانزده‌ساله، هفده‌ساله، چهارده‌ساله. این یعنی چه؟ یعنی احساس تعهد، روحیه انقلابی، احساس مسئولیت ناشی از روشن‌بینی و بصیرت...»^۲.

معظم‌له در دیگر بیانات خود در خطاب به ملت در باب جایگاه و اهمیت موقعیت‌شناسی می‌فرماید: «شناختن موقعیت، فهمیدن نیاز، حضور در لحظه مناسب و مورد نیاز؛ این اساس کار است که مؤمن باید این را هم با خود همراه داشته باشد تا بتواند وجودش مؤثر بشود؛ آن کاری را که باید انجام بدهد، بتواند انجام بدهد»^۳. «شناختن موقعیت خود و وضع خود، جایگاه خود در شرایط کنونی عالم و چالش‌هایی که پیش روی ملت قرار دارد و شناختن خطوط اساسی برای رویارویی با چالشها. این، شرط موفقیت یک ملت زنده است؛ وضع خود را، جایگاه خود را، شرایط خود را درست بشناسد و برای این شرایط برنامه‌ریزی داشته باشد و عزم و تصمیم قاطع بر رویارویی با آنچه که در این راه برای انسان به‌طور طبیعی پیش بیاید»^۴. «غالباً کشورها و جوامع از ندانستن موقعیت و نشناختن فرصت، ضربه می‌خورند. وقتی دشمنی کمین می‌گیرد و ما نمی‌دانیم که او کمین گرفته است، نمی‌شناسیم یا اگر چنانچه اطلاع پیدا کردیم، علاج را زود و بهنگام ارائه

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم بندرعباس (۱۳۷۶/۱۱/۲۸)

۲. بیانات در دیدار دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان (۱۳۸۹/۰۸/۱۲)

۳. بیانات در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)

۴. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی (۱۳۸۶/۰۱/۰۱)

نمی‌دهیم؛ آن وقت ضربه می‌خوریم»^۱. غرب تجددی در پرتو رهنمودهای منطق سرمایه‌داری و رویکرد ایدئولوژیک مترتب بر آن همواره به‌دنبال استعمار ملت‌های ضعیف‌تر و تبدیل آنها به بازار مصرف محصولات خود است و در راستای شکل‌گیری، گسترش و بازتولید این شکل از مناسبات در سطح جهان به فراخور و متناسب با موقعیت از انواع و اقسام سیاست‌ها و راهبردها بهره برده است. در همین رابطه، غرب و در رأس آن آمریکا بعد از انقلاب با توسل به جنگ و پس از آن نیز به شکل‌های مختلف درصدد ضربه‌زدن به انقلاب و نظام اسلامی برآمده است که با موقعیت‌شناسی و واکنش مناسب بی‌اثر شده است و خواهد شد.

۸. دشمن‌شناسی

یکی از مهمترین مسائلی که قرآن در آن بر موقعیت‌شناسی مؤمنان تأکید می‌کند و درباره غفلت از آن هشدار می‌دهد، دشمن‌شناسی است. آیات متعددی از قرآن این مسئله را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. قرآن، دشمن اصلی انسانها را شیطان می‌داند: «ان الشیطان کان للانسان عدوا مبینا» (اسراء/۱۷)؛ چرا که همواره درصدد است تا زشتی‌ها را زیبا جلوه دهد و رفتار بد را زینت داده، آن را به‌صورت رفتار زیبا نمایش می‌دهد: «وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام/۴۳). خداوند هم‌چنین از دشمنان دیگری نیز نام می‌برد و مسلمانان را به موقعیت‌شناسی در برابر حیل‌های آنها فرامی‌خواند. در همین رابطه، مقام معظم رهبری پس از معرفی مقوله موقعیت‌شناسی به تبیین دشمن‌شناسی می‌پردازند. در این رابطه معظم‌له خطاب به جوانان می‌فرماید: «من به‌عنوان فردی که جریانها را می‌شناسد و از جریانهای جهانی و پشت پرده و توطئه‌های دشمن آگاه است و از اول انقلاب با آنها سر و کار داشته است، می‌گویم که جوانان عزیز! دشمن روی شما سرمایه‌گذارهای زیادی می‌کند؛ حواستان جمع باشد. عده‌ای را به بی‌تفاوتی می‌کشاند و عده‌ای را دل‌سرد و مأیوس می‌کند»^۲. «توصیه من بخصوص به شما جوانان، رزمندگان، شهید داده‌ها و جانبازان و آزادگان، این است که توطئه دشمن را استشمام و درک کنید»^۳. «جوانان باید آمادگی‌شان را بیشتر کنند؛ نه آمادگی جنگی؛ چون امروز بحث جنگ نظامی نیست. البته آمادگی رزمی هم برای روز مبادا

۱. بیانات در جمع خانواده‌های شهیدان و ایثارگران کرمانشاه (۱۳۹۰/۰۷/۲۱)

۲. سخنرانی در دیدار با گروه زیادی از دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت سیزدهم آبان ماه (روز ملی مبارزه با استکبار) (۱۳۶۸/۰۸/۱۰)

۳. بیانات در مراسم دیدار قشرهای مختلف مردم (۱۳۷۱/۰۷/۲۹)

ضروری است؛ اما آن چیزی که برای همه لازم است، آمادگی معنوی؛ یعنی آمادگی فکری، آمادگی روحی، آمادگی سیاسی و حفظ وحدت، اتصال و ارتباط نیروها با یکدیگر، ارتباط مستحکم و دوستانه ملت و دولت و شناختن چهره دشمن در هر لباسی است.^۱

مقام معظم رهبری ضمن تأیید دشمن شناسی به عنوان وظیفه‌ای مستمر، مهمترین راه حل مبارزه با دشمن را توجه به سه اصل اساسی می‌داند: ۱. هوشیاری و درک موقعیت ۲. جرأت اقدام و نترسیدن از سختی‌ها و خطرها ۳. ایمان و امید به آینده. معظم له نسبت به این سه اصل می‌فرماید: «هوشیاری و درک موقعیت جرأت اقدام و نترسیدن از سختی‌ها و خطرها و ایمان و امید به آینده سه درس مهم [هستند] این درسهای مهم، راهگشای امروز و آینده ملت و کشور است».

۹. پیشرفت طلبی

نهمین مؤلفه هویتی، که توسط مقام معظم رهبری در بیانات خود با موضوع دفاع مقدس برای جوانان معرفی و تبیین شده، پیشرفت طلبی است. در این رابطه باید اذعان کرد که امروزه پیشرفت در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجهه همت تمام نظامهای سیاسی است. اهمیت پیشرفت و تعالی در جهان کنونی به گونه‌ای است که گام برنداشتن جامعه در جهت پیشرفت به منزله مرگ تدریجی و نابودی آن خواهد بود. بر همین اساس، زیربنا و اساس فکری رهبران و دولتمردان تمام جوامع را گسترش پیشرفت همه‌جانبه از طریق ارائه راهکارهای اساسی با شاخصهای معین تشکیل می‌دهد. رسیدن و دستیابی به پیشرفت در هر جامعه‌ای مستلزم تعیین راهکار، بهره‌گیری از الگو و در نظر گرفتن شرایط و شاخصهاست. در همین رابطه، مقام معظم رهبری معتقدند، پیشرفت کشور تنها براساس الگوی اسلامی - ایرانی امکانپذیر است و مهمترین وظیفه نخبگان، اعم از دانشگاهی و حوزوی، تنظیم نقشه جامع پیشرفت کشور براساس مبانی اسلام است. در این ارتباط، یکی از بارزترین مصداقهایی که مورد تأکید ایشان است، تجربه و پیشرفتهایی است که به رغم شرایط جنگی و تحریم به دلیل ایستادگی و خودباوری جوانان انقلابی در جبهه‌های جنگ هشت ساله رقم خورد: «ما این را در طول این بیست و هفت سال تجربه کرده‌ایم. در میدانهای گوناگون، آنجایی که حرف خودمان را باور داشته‌ایم و پای آن حرف ایستاده‌ایم، آنجا پیش رفته‌ایم. در دفاع مقدس همین پیش آمده؛ در حفظ اساس این نظام مقدس، همین پیش آمده؛ در

۱. بیانات در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج (۱۳۷۶/۰۹/۰۵)

پیشرفت روز به روز، بلکه ساعت به ساعت کشور در زمینه‌های مختلف، همین پیش آمده است. امروز شاخصهای پیشرفت و توسعه را که ما در کشورمان نگاه کنیم و با اول انقلاب مقایسه کنیم، اصلاً قابل مقایسه نیست. آن روز حدس هم نمی‌شد زد که با وجود آن مشکلاتی که سر راه هست، بشود به این نقطه رسید؛ اما به توفیق الهی رسیدیم. این بر اثر ایستادگی همراه با باور بود و راهش همین است^۱. در ایران الگوهای متعددی برای توسعه استفاده شده که در ظاهر بهترین راه‌حل عبور از عقب‌ماندگی و ورود به دروازه توسعه‌یافتگی است؛ اما به دلیل ماهیت و رویکرد غربگرایانه و مطابقت نداشتن الگوهای ارائه شده با نیازها و مقتضیات بومی کشور، این الگوها نتوانسته موفقیت زیادی به دست آورد و عملاً با شکست روبه‌رو شده است. همین مسئله موجب شده است تا مقام معظم رهبری با آگاهی از محتوا و غایات الگوهای غربی توسعه، عامدانه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را الگوی بومی و درونی پیشرفت معرفی کند و با توجه به تجربه ارزنده کشور در حوزه پیشرفت نظیر موفقیت‌های جوانان در حوزه‌های مختلف جنگ تحمیلی و پس از آن به تبیین این الگو بویژه برای جوانان پردازد.

۱۰. بسیج و انقلابی

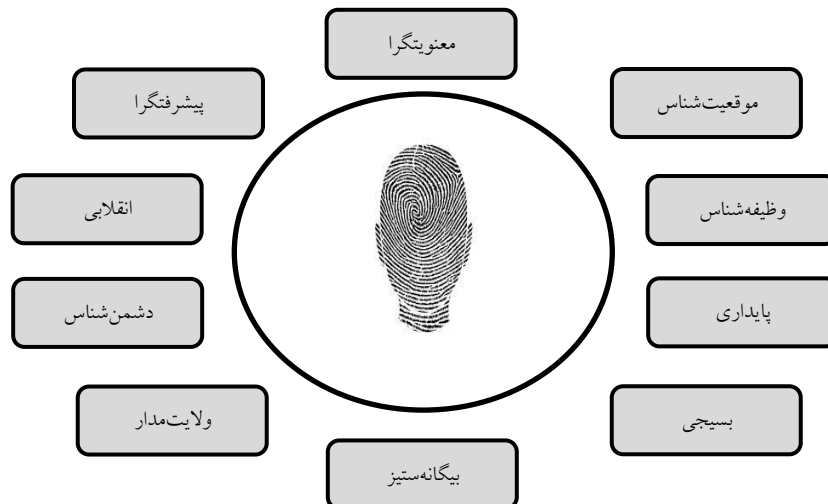
یکی از مؤلفه‌های محوری که تحت تأثیر رویداد انقلاب اسلامی و وقوع جنگ تحمیلی وارد منظومه هویت اسلامی و ایرانی ما شد و اخیراً نیز به شکل ویژه مورد تأکید مقام معظم رهبری قرار گرفت، مؤلفه‌های بسیج و انقلابی است؛ چرا که بسیج به‌عنوان میراث و گنجینه دفاع مقدس با رویکرد جهادی برنامه‌ها، اقدامات و فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای که طی سالهای پس از جنگ انجام داده است، علاوه بر احیاگر هویت اسلامی - ایرانی بویژه برای نسل جوان و نوجوان به‌عنوان الگوی عملی در فرایند تمدن‌سازی و پیشرفت با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نیز همواره مورد توجه معظم‌له بوده است؛ به عبارتی، یکی از نقش‌آفرینی‌های بسیج، طراحی، اجرا و عملیاتی کردن الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است که با توجه به گستردگی، پراکندگی و تأکید فرهنگی می‌تواند سرمایه اجتماعی نوینی از نسل نوجوان و جوان به وجود آورد (کلهر، ۱۳۹۰: ۱۷)؛ اما این نقش‌آفرینی نیز خود مقتضی برخی از شرایط، عوامل و عناصر خاص است که الزاماتی دارد که می‌توان آن را در نهاد بسیج جستجو کرد. در این رابطه، یکی از مهمترین

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی (۱۳۸۵/۰۷/۱۸)

ارزشها و هنجارهای شکل دهنده بسیج از دید مقام معظم رهبری انقلاب اسلامی و انقلابی بودن است. در این رابطه معظم له در مقاطع مختلفی بر لزوم انقلابی بودن تأکید کردند؛ از جمله اینکه فرمودند: «انقلابی بمانید. روحیه انقلابی یعنی اسیر حدود تحمیلی نشدن؛ قانع به گیرندگی قطره چکانی نشدن؛ با امید دنبال هدف حرکت کردن و با انگیزه، با نشاط، با اصرار و پیگیری آن را به دست آوردن. این، انقلاب و حرکت انقلابی است»^۱. در حقیقت، این صفت لازمه حرکت در مسیر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است. و در این رابطه بسیج به عنوان تشکل انقلابی پیشرو، می تواند موقعیتی را برای نوجوانان و جوانان فراهم سازد که با نشاط و شادابی و امکان رفتار و عمل متهورانه و متعهدانه بدون عبور از تعلق دینی و ملی در راستای تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت گام بردارند که پیشران و برآیند آن تداوم و بالندگی هویت اسلامی - ایرانی است.

نتیجه گیری

در مجموع، مؤلفه های معنویتگرایی، ولایت مداری، شهادت طلبی، وظیفه شناسی، دفاع از دین و میهن، موقعیت شناسی، دشمن شناسی، بیگانه ستیزی، پیشرفت طلبی، بسیجی و انقلابی گری مجموعه مؤلفه های هویتی است که تحت تأثیر درون میراث معرفتی و تجربی دفاع مقدس و متناسب با شرایط امروز نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و جایگاهش در مناسبات نظام بین المللی در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله) خطاب به اقشار مختلف جوانان جامعه بیان شده است.

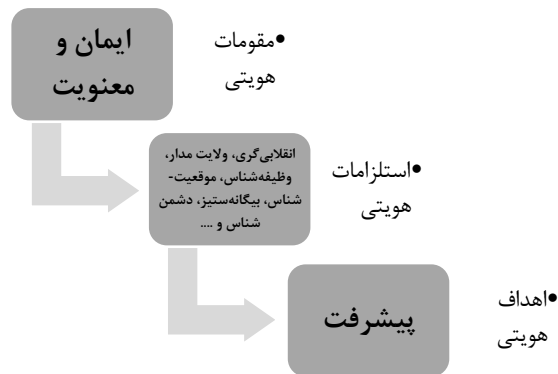


شکل ۱. تصویر الگوی هویتی معرفی شده برای جوانان در بیانات مقام معظم رهبری درباره دفاع مقدس

پژوهشگر بر حسب رویکرد نظریه‌مبنایی به منظور دستیابی به گزاره‌های نظری، باید مقولات و مؤلفه‌های جزئی را به مقولات کلی‌تر تبدیل، و سپس میان آنها ارتباط منطقی برقرار کند. در این رابطه در نظریه هویتی مقام معظم رهبری (مدظله) مؤلفه‌های دینی در مرتبه‌ای بالاتر از دیگر مؤلفه‌ها قرار دارد و در شکل‌گیری دیگر ابعاد هویتی فرد، نقشی اساسی ایفا می‌کند؛ به عبارت دیگر دیدگاه ایشان و برخلاف رویکرد دین‌ستیزانه الگوهای هویتی غربی و تبدیل دین به عنصری فردی و حاشیه‌ای، ایمان و معنویت، اصلی‌ترین عناصر سازنده هویت ملی جوان ایرانی است و دیگر وجوه هویت و شخصیت وی را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد؛ بدین دلیل ضرورت حضور معنویت و ظهور آن در همه ابعاد حیات انسانی روشن، و اهمیت راهبردی معنویت در تعالی فرد و جامعه، مسئله‌ای آشکار است.

افزون بر این در نظریه هویتی مقام معظم رهبری تأکیدات هویتی برای جوانان همواره به هدف معطوف است. «نیاز عمده جوانان، هویت است؛ باید هویت و هدف خودش را بشناسد؛ باید بداند

کیست و برای چه می‌خواهد تلاش و کار کند»^۱. هدف بر حسب مقولات بیانات مقام معظم رهبری، «پیشرفت» است که با ملاحظه مقوله محوری «ایمان و معنویت»، رشد و تعالی جوان ایرانی را در سطوح مختلف حیات فردی و اجتماعی خویش و آرمانهای نظام و انقلاب اسلامی مطرح نظر دارد. در این دیدگاه، آرمان انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، رشد و تعالی مادی و معنوی انسان در قالب تحقق تمدن نوین اسلامی است: «آنچه ما تصور می‌کنیم که وظیفه ما است، وظیفه مجموعه مسئولان کشور است؛ وظیفه دولت جمهوری اسلامی است؛ این است که این سه مؤلفه بزرگ را برای همه تصمیم‌گیرها و همه اقدامها در نظر داشته باشد: مؤلفه اول آرمانها و اهداف نظام جمهوری اسلامی است که این اهداف و آرمانها مطلقاً نباید از نظر دور بشود که آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله کوتاه «ایجاد تمدن اسلامی» خلاصه کرد. تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد؛ زندگی عزتمندی داشته باشد. انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی یعنی این. هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است»^۲.



شکل ۲. الگوی هویتی جوانان از دید مقام معظم رهبری بر مبنای دفاع مقدس

۱. بیانات مقام معظم رهبری در میدان با جوانان (۱۳۸۰/۰۲/۱۲)

۲. بیانات در تاریخ (۱۳۹۲/۶/۱۴)

ایشان شرط رسیدن به پیشرفت و تحقق تمدن اسلامی نوین را عدم تقلید از غرب می‌دانند و معتقدند: با توجه به اینکه ماهیت تهاجمی، هویت‌زدایی و مادی‌فرهنگ غربی و بیگانگی آن با فرهنگ جامعه ما، چنانچه تقلیدی از آن صورت بگیرد، جز ضرر و فاجعه برای جامعه سودی نخواهد داشت. بر این اساس، رهبر معظم انقلاب سالهاست که با بیان پیشرفت، راهبردها و استلزاماتی را به تناسب، خطاب به مسئولان، جوانان و مردم بیان می‌کنند. در این رابطه، ملزومات هویتی معطوف به پیشرفت برای جوانان در نگاه معظم‌له (ره) بر حسب تجربیات جنگ تحمیلی بر مؤلفه‌هایی مانند: انقلابیگری، ولایت‌مداری، پایداری، وظیفه‌شناسی، موقعیت‌شناسی، دشمن‌شناسی استوار است که شکل‌دهنده ساختار هویت جوان ایرانی است و موفقیت‌های زیادی را در صحنه‌های مختلف اعم از جنگ تحمیلی و پس از آن در عرصه‌های علمی، اقتصادی و غیره رقم زده است.

در مجموع، الگوی هویتی مقام معظم رهبری (مدظله) برای جوانان بر پایه تجربه جنگ تحمیلی را می‌توان در سه سطح مقومات، استلزامات و اهداف هویتی ترسیم کرد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در نگاه مقام معظم رهبری، ایمان و معنویت عناصر مقوم هویت جوانان است. عناصری که ظفر و پیروزی رزمندگان را در دفاع مقدس رقم زد و پایه و سرمایه هویتی جوانان امروز معرفی می‌شود: «عزیزان من! جوانانی که دوران دفاع مقدس را یا درک نکرده‌اید یا بدرستی درک نکرده‌اید! دفاع مقدس با این سرمایه‌های معنوی به نتیجه رسید». در نظرگاه مقام معظم رهبری اگر آرمان و هدف جوانان در دوران دفاع مقدس، حفظ انقلاب و صیانت از مرزهای سرزمینی بود در حال حاضر خواست و هدف ایشان پیشرفت و اعتلای کشور در پرتو آرمانهای انقلاب اسلامی است. بر همین اساس، مقام معظم رهبری بر حسب تجربیات جنگ تحمیلی بر مقوله‌هایی نظیر انقلابیگری، وظیفه‌شناسی، موقعیت‌شناسی، دشمن‌شناسی و بیگانه‌ستیزی به‌عنوان استلزامات لازم به‌منظور اعتلای جوان ایرانی و پیشرفت کشور تأکید می‌کنند.

منابع

- اکبری، محمدعلی (۱۳۸۳)، تبارشناسی هویت جدید ایرانی (عصر قاجار و پهلوی اول)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بیل، جیمز (۱۳۶۷)، جنگ، انقلاب و روحیه، قدرت ایران در جنگ خلیج فارس، مجموعه مقالات بازناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، ج ۲، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، روابط غیریت و هویت در میان ایرانیان، تهران: فرهنگ گفتمان.
- درزی کلایی، محمدرضا؛ آقاحسینی، علی‌رضا (۱۳۹۱)، جنگ تحمیلی و شکل‌گیری هویت جدید معنوی، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۵۱.
- رودگر، محمدجواد (۱۳۹۵)، کارکردهای معنویت در عرصه‌های اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری، فصلنامه مطالعات معنوی، ش ۱۰: ۵۹ - ۸۶.
- ساعی، احمد (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر نظریه و نقد پسا استعماری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۷۳.
- سعید، ادوارد (۱۳۸۳)، شرق‌شناسی، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ چهارم.
- سعید، بابی (۱۳۷۹)، هراس بنیادین: اروپامداری و ظهوراسلامگرایی، ترجمه غلامرضا جمشیدیها و موسی عنبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سفیری، خدیجه (۱۳۸۷)، روش تحقیق کیفی، تهران: انتشارات پویش.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴)، امام خمینی و هویت ملی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قاضی میرسعید، سیدعلیرضا (۱۳۹۵)، مفهوم توسعه و پیشرفت در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، س ۲۴، ش ۳.
- کلهر، رضا (۱۳۹۰)، نقش‌آفرینی بسیج در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، س چهاردهم، ش ۵۳.
- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۳)، هویت، تاریخ و روایت در ایران، مجموعه مقالات، مؤسسه تحقیقات و علوم انسانی.

